

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره دوازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۸)، بهار ۱۳۹۶  
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iurasht.ac.ir>  
صص. ۲۱۰-۱۹۳

## تحلیل عوامل مؤثر بر کیفیت مکانی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نیکشهر)

هادی راستی\* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
بشیر امیری - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۲۲

### چکیده

نواحی روستایی به عنوان مکان‌های جغرافیایی، تحت شرایط نظام طبیعی و انسانی خود از تغییرات درونی و بیرونی فراوانی در طول زمان متأثرند، که در نتیجه آن، فضاهای زندگی متنوعی با کیفیت‌های متفاوت زندگی و رفاه اجتماعی شکل یافته است. این مسأله تحت تأثیر عوامل متعددی در ابعاد مکانی - فضایی، اقتصادی، اجتماعی است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت مکانی نواحی روستایی یکی از محروم‌ترین مناطق کشور (شهرستان نیکشهر)، انجام گرفته است. عوامل مورد بررسی عبارتند از: عوامل مکانی - فضایی (شکل استقرار، موقعیت ارتباطی، نوع راه ارتباطی، فاصله)، اقتصادی (نرخ اشتغال، متوسط مالکیت زمین کشاورزی و دام) و اجتماعی (میزان جمعیت، نرخ سواد، نسبت مهاجرت، کیفیت مسکن، نسبت امکانات عمومی). روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جامعه آماری روستاهای بخش مرکزی شهرستان نیکشهر هستند که مشتمل بر ۱۴۳ سکونتگاه روستایی و ۴۵۲۲۸ تن جمعیت (۱۰۷۶۲ خانوار) است. در این میان ۲۰ سکونتگاه و ۳۰۵ سرپرست خانوار ساکن در آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه استفاده شده است. داده‌ها به کمک روش‌های آماری در محیط SPSS پردازش و تحلیل شد. نتایج پژوهش حاکی از سطح پایین کیفیت مکانی نواحی روستایی در سایر شاخص‌ها (به استثنای شاخص امنیت) و نیز وجود تفاوت معنادار بین سطح کیفیت مکانی با عوامل مکانی - فضایی، اقتصادی (به جز شاخص مالکیت دام)، اجتماعی (به استثنای شاخص نسبت مهاجرت) است.

واژگان کلیدی: کیفیت مکان، عوامل مکانی - فضایی، اقتصادی و اجتماعی، نواحی روستایی، شهرستان نیکشهر

## مقدمه

زمین منبع اصلی برای زندگی انسان است و طبیعت آن به وسیله فرآیندهای طبیعی استوار و ثابت گشته است، که می‌تواند هم از طریق عوامل درون‌زایی (نظام طبیعی) و هم از جهت شرایط برون‌زایی (عملکرد انسانی) تغییر یابد (SHakuei, 2004: 282). در این رهگذر هویت یک سکونتگاه روستایی از عوامل گوناگون طبیعی، اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن نشأت می‌گیرد و تغییر هر یک از این عوامل می‌تواند اهمیت و نقش هر مکان و موقعیت را دگرگون کند. بنابراین شناسایی این قبیل ویژگی‌های سکونتگاه‌ها با پیچیدگی خاصی همراه بوده و نیازمند یک بررسی همه‌جانبه است؛ چرا که سکونتگاه‌های روستایی به صور گوناگون برپا شده، شکل می‌گیرند و از نظر مکانی به نحوی متنوع توزیع می‌گردند. عوامل مؤثر بر شکل‌پذیری مکان‌های روستایی را عوامل طبیعی (اشکال ناهمواری، اقلیم، نحوه دسترسی به منابع آب و...) و عوامل محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مانند برخورداری از امکانات ارتباطی، انگیزه‌های سیاسی و غیره تشکیل می‌دهند (Saeidi & Hoseni, 2009: 130).

از آنجا که مفهوم کانونی در علم جغرافیا "مکان" است و تحت شرایط نظام طبیعی و انسانی خود بر اثر تحولات درونی و بیرونی در طول زمان متغیر می‌باشد، کیفیت‌های متفاوتی از فعالیت، معیشت و رفاه را در خود جای می‌دهد. از این رو جغرافیای واقعی زمان ما باید در مسیر شناخت تفاوت‌ها و گوناگونی‌های زندگی انسانی که زیباترین و زشت‌ترین کیفیت زندگی را در مکان‌ها ظاهر می‌سازند، پیشگام باشد (SHakuei, 2004: 284) و عوامل درونی و بیرونی که بر ضعف و قوت کیفیت مکانی نواحی جغرافیایی تأثیر می‌گذارند، را تبیین و تحلیل نماید. این امر در دستیابی به چگونه بودن زندگی، شیوه معیشت و رفاه اجتماعی در نواحی روستایی و در کل در ضعف و قوت فرآیند توسعه پایدار روستایی مؤثر است. از این رو بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت مکانی نواحی روستایی در جهت مدیریت دقیق‌تر و کارآمد فرآیند توسعه اساساً ضرورت و اهمیت دارد.

ناکامی رویکردها و برنامه‌های توسعه روستایی در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته مخصوصاً در ایران که بیش از شش دهه سابقه برنامه‌ریزی دارد، انکارناپذیر است. ایران از گذشته‌های دور به ویژه بعد از اصلاحات ارضی (بعد از سال ۱۳۴۱) با فضاهای روستایی پرچالشی در ابعاد مختلف مواجه بوده و نواحی روستایی آن علی‌رغم محدودیت‌های طبیعی و جغرافیایی (توپوگرافی، پراکندگی، منابع آب، مسائل اقلیمی و مخاطرات)، به طور مداوم دستخوش تغییرات ناشی از عملکرد انسانی از جمله وابستگی روزافزون نواحی روستایی به شهرها گردیده است. از این رو مدیریت ناکارآمد زمین، بهره‌وری پایین عوامل تولید در بخش کشاورزی، دانش و مهارت پایین، ضعف زیرساخت‌ها، مهاجرت‌ها، نابرابری بین شهر و روستا و غیره از جمله خصیصه‌های بارز در بیشتر نواحی روستایی ایران هستند که کیفیت مکانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این خصیصه‌ها در پهنه‌های اقلیمی خشک و بیابانی و نیز در مناطق محروم جغرافیایی و توسعه نیافته نمود بیشتری دارد. نواحی روستایی استان سیستان و بلوچستان (که استانی با محدودیت جغرافیایی-اقلیمی و توسعه نیافته است و بنا بر شواهد و تحقیقات موجود از نظر سایر شاخص‌های توسعه اغلب محروم‌ترین استان کشور محسوب می‌شود) نسبت به بسیاری از روستاهای کشور، از لحاظ چالش‌های مطرح شده، اوضاع نابه‌سامان‌تری دارند. در این راستا روستاهای شهرستان نیکشهر - که جزو محروم‌ترین مناطق استان به شمار می‌آید، اهمیت بررسی این مسأله را مضاعف می‌نماید. نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نیکشهر که معیشت غالب آن‌ها از گذشته‌های دور بر بخش کشاورزی استوار بوده است، در دهه‌ها و به ویژه سال‌های اخیر تحت تأثیر پیشرفت‌های نوین فناوری، گسترش اطلاعات و ارتباطات، مسائل محیطی ناشی از عملکرد انسانی و اقدامات دولت، دستخوش تغییرات اساسی در فعالیت، معیشت و رفاه اجتماعی شده‌اند. به طوری که اتکا به منابع داخلی روستاها تقلیل یافته و وابستگی به بیرون (شهرها و دولت) فزونی گرفته است، که این مسأله خود زنگ خطری برای کیفیت مکانی و توسعه پایدار روستاهای منطقه است که ضرورت انجام این پژوهش را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

بنابراین پژوهش حاضر ضمن ارزیابی کیفیت مکانی نواحی روستایی مبتنی بر عملیات میدانی در یکی از محروم‌ترین مناطق کشور (بخش مرکزی شهرستان نیکشهر)، عوامل مؤثر بر کیفیت مکانی نواحی روستایی در ابعاد مختلف مکانی-فضایی، اقتصادی و اجتماعی را مورد تبیین و تحلیل قرار می‌دهد. تا از این طریق بتوان به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی جهت تصمیم‌گیری دقیق‌تر و پایش سیاست‌های گذشته و برنامه‌ریزی هدفمندتر در آینده کمک نمود. از این رو سؤال‌های اصلی تحقیق به صورت زیر مطرح شده‌اند:

- کیفیت مکانی نواحی روستایی مورد مطالعه در چه سطحی ارزیابی می‌شود؟
- آیا بین سطح کیفیت مکانی روستاها و عوامل مکانی-فضایی (شکل استقرار روستاها، موقعیت ارتباطی، نوع راه ارتباطی، فاصله روستاها از مراکز نافذ) رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سطح کیفیت مکانی روستاها و عوامل اقتصادی (نرخ اشتغال، متوسط مالکیت زمین کشاورزی، متوسط مالکیت دام) رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سطح کیفیت مکانی روستاها و عوامل اجتماعی (میزان جمعیت، نرخ سواد، نسبت مهاجرت، درجه کیفیت مسکن، نسبت امکانات عمومی) رابطه وجود دارد؟

کیفیت مکانی رویکرد جدیدی از کیفیت زندگی است که در سال‌های اخیر مورد توجه مراکز علمی قرار گرفته است. در رابطه با این مبحث مطالعاتی در ایران و سایر کشورها انجام گرفته، که به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود: آرووا و همکاران (Arova et al, 2000) در پژوهشی با عنوان "سرمایه انسانی، کیفیت مکان و محل سکونت" به این نتیجه رسیدند که سرمایه انسانی با رشد منطقه‌ای مرتبط و عامل اصلی در این رشد است. وجود سرمایه انسانی در یک مکان سبب کاهش هزینه‌های تولید و ظهور ایده‌های نو می‌شود. همچنین کیفیت مکان عاملی کلیدی در توزیع مشترک بشر، سرمایه و صنعت محسوب می‌شود. ریچارد فلوریدا (Florida, 2006) در تحقیقی با عنوان "کیفیت مکانی و محل اقتصاد جدید در منطقه پیتسبورگ" نتیجه گرفت که کیفیت مکان منطقه مورد مطالعه به لحاظ دسترسی به امکانات طبیعی، تفریحی و غیره باعث جذب نیروی کار و سرمایه‌گذاری در این منطقه شده است. بولاک (Bullock, 2007) جهت بررسی کیفیت مکان و محل زندگی در غرب تگزاس نوشته است که کیفیت محل زندگی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی مانند میزان در دسترس بودن مشاغل، دسترسی به خدمات گوناگون، محیط طبیعی، امنیت و غیره وابسته است و در سکونتگاه‌های روستایی نبود شغل و درآمد کافی در بخش کشاورزی، فاصله و دوری، عدم وجود راه‌های مناسب و غیره، احیای سیاست‌های ضروری برای کیفیت مکان‌های روستایی را پیچیده‌تر می‌کند. هیلن و همکاران (Helen et al, 2008) در مقاله‌ای با عنوان "یک آنالیز طولی در مکان‌های روستایی در حال تغییر چهار ایالت همسایه در ایالات متحده آمریکا" پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که افزایش سریع جمعیت و یا کاهش آن، در کیفیت مکانی سکونتگاه‌های نواحی روستایی مورد مطالعه تأثیرگذار است. لیم (Lim, 2008) در تحقیقی که در مورد بازتاب مطالعات کیفیت زندگی در دانشگاه راجرز انجام داده است، می‌گوید رویکرد جدیدی که در نظریه کیفیت زندگی مطرح است، همانا کیفیت مکان است. این رویکرد به تحلیل مکان به عنوان جایی که زیرساخت‌های بنیادی آن کافی یا ناکافی است می‌پردازد و عواملی همچون زیرساخت‌ها، و عوامل تأثیرگذار بر کیفیت مکان را مورد بررسی قرار می‌دهد. فریزر و همکاران (Fraser et al, 2008) جهت بررسی تغییر کیفیت مکان و تأثیر آن بر تغییر ساختار روستایی در استرالیا نتیجه گرفت که جنبه‌های کیفیت مکان در نواحی روستایی می‌تواند باعث کاهش عوامل خطر، مهاجرت و... در این مناطق شود. استعلاجی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی نقش عوامل جغرافیایی در نظام استقرار سکونتگاه‌های شهرستان نمین در استان اردبیل نتیجه گرفتند که ساختار نظام استقرار، ضمن تأثیرپذیری از بنیان‌های انسانی در ارتباط با بنیان‌های طبیعی شکل گرفته‌اند و بین تیپ اراضی و توزیع سکونتگاه‌ها همبستگی مستقیم و بین ارتفاع و توزیع سکونتگاه‌ها، همبستگی معکوس وجود دارد. نتایج تحقیق اکبر قلی و ولایتی (۱۳۸۶) جهت بررسی جایگاه عوامل طبیعی

در استقرار سکونتگاه‌های روستایی نشان داد که خاک و منابع آب به ویژه چشمه‌ها جزو عوامل مهم در پراکنش روستاهای منطقه می‌باشند. فاضل نیا و همکاران (۱۳۹۲) جهت تحلیل کیفیت مکان سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی به این نتیجه رسیدند که بین روستاهای کوهپایه‌ای، کوهستانی و دشتی از لحاظ مؤلفه‌های کیفیت مکانی تفاوت معناداری وجود دارد. مطالعات فوق‌الذکر هر کدام ابعاد یا شاخص‌های خاصی از کیفیت مکان را ارزیابی کرده و یا تأثیر عامل‌های احتمالی خاصی بر کیفیت مکان را بررسی کرده‌اند. این مطالعات کمتر از رویکردی جامع که همزمان ارزیابی کیفیت مکان و عوامل مؤثر را بر آن مورد بحث و بررسی قرار دهد، پرداخته است. پژوهش حاضر از این منظر با مطالعات دیگران متمایز است که هم از رویکردی جامع جهت ارزیابی کیفیت مکان و بررسی علّی آن بهره می‌گیرد و هم از این جهت که کیفیت مکان و عوامل مؤثر بر آن از جمله عوامل مکانی- فضایی را در یک منطقه محروم روستایی مورد بررسی قرار می‌دهد.

در زمینه مبانی نظری و چهارچوب مفهومی تحقیق می‌توان گفت که واژه کیفیت به عنوان مناسب بودن و رضایتمندی تلقی می‌شود (Ozsoy, 1996: 21). در فلسفه و نظریه شناخت منظور از کیفیت، چگونگی یک چیز است (Dehghani, 2011: 36). مکان بخشی از فضای جغرافیایی است که به صورت یک دستگاه و مجموعه محدود شده‌ای می‌باشد که در آن روابط اجتماعی، هویت و زندگی به وجود می‌آید (Shakouei, 2006: 287). مفهوم مکان به لحاظ ارزش‌هایی که به همراه دارد قابل شناسایی و دارای هویت است. در واقع هر موقعیت یا فضایی که اطلاعات معین و خاصی با خود داشته باشد و از لحاظ این اطلاعات هویت پیدا کند به مکان تبدیل می‌شود (Hagget, 2005: 16). هویت هر مکان از سه مشخصه عوامل طبیعی و نموده‌های ظاهری آن‌ها؛ فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و کارکردها؛ مفاهیم و نمادها شکل می‌یابد (Relph, 1986: 61). به بیانی دیگر مکان تجلی گاه عینی محیط زیست جهان (Norberg-Schulz, 1974: 31) و مرکز ارزش محسوس است که همراه با امنیت و پایداری، نیازهای زیستی انسان را بر آورده می‌کند (Pourahmad, 2010: 81). به اعتقاد جانستون آنچه به طور مستقیم به جغرافیا مربوط است، مسأله مکان چیزها و پدیده‌هاست (Johnston, 2000: 4)، اینکه چرا هر چیز در یک مکان خاص قرار دارد و موقعیت ویژه‌ای را در فضا اشغال می‌کند؟ اینکه هر جغرافیدانی در پی آن است که بداند چیزها و پدیده‌ها چگونه در مکان‌های گوناگون توزیع شده‌اند و چه رابطه‌ای میان مکان‌ها برقرار است (Pishgahi fard, Pourahmad & Vasegh, 2005: 182). ماهیت هر مکان در سه عامل اقتصاد، جامعه مدنی و دولت خلاصه می‌شود و نیز هر مکان دارای مشخصات منحصر به فردی است، که هر کدام سامان و کلیت خاص خود را داشته که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌سازد. تفاوت‌ها و گوناگونی‌های مکانی زیاد است، این گوناگونی‌ها نتیجه عوامل مؤثر داخلی و خارجی می‌باشد (Shakouei, 2004: 204-280). به گفته لوکرمین مکان‌ها موجودیت تکاملی دارند. با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، عناصر تازه‌ای را می‌پذیرند. مطالعه کیفیت زندگی مردم یک مکان جغرافیایی، در داخل مجموعه‌ای از محیط طبیعی و محیط انسان ساخت صورت می‌گیرد. محیط انسان ساخت تنها الگوهای سکونتگاهی را شامل نمی‌شود بلکه کلیت همه آنچه را که جامعه انسانی به وجود آورده است اطلاق می‌گردد (Shakouei, 2004: 275-287). به طور کلی مکان جغرافیایی در طول زمان با تغییرات زیادی در ابعاد فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی همراه بوده و اشکال متنوعی از تعامل انسان و محیط و در نتیجه شیوه‌ها و کیفیت‌های گوناگونی از فعالیت، معیشت و زیست را به نمایش می‌گذارد، که از عوامل متعدد درون‌زا (نظام طبیعی) و برون‌زا (عملکرد و کنش انسانی) متأثر است.

کیفیت مکان مفهومی است که احساس رفاه و رضایتمندی را برای ساکنان محلی از طریق ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی، طبیعی، اجتماعی و غیره به وجود می‌آورد (Van Kamp et al, 2003: 5-18). کیفیت مکان به عنوان منابع، امکانات و فرصت‌های فراهم شده به وسیله محیط برای تأمین نیازهای انسانی و به عنوان زیر مجموعه کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته است که ناظر بر بعد عینی کیفیت زندگی می‌باشد. همان گونه که کیفیت زندگی گروه‌ها در

مکان‌های مختلف از فاکتورهای درونی، شخصی و ذهنی تأثیر می‌پذیرد، به طور معناداری توسط فاکتورهای محیط بیرونی (محیط طبیعی، محیط مصنوع، خدمات و تسهیلات و دسترسی‌ها) که فرد در آن زندگی می‌کند نیز متأثر می‌شود و همین امر به طور مستقیم کیفیت زندگی را به کیفیت مکان متصل می‌سازد (Mottakian et al, 2009: 2). به عقیده وان پل، کیفیت محیط‌های محلی تنها توسط عوامل فیزیکی تعیین نمی‌شوند بلکه در کنار ویژگی‌های فیزیکی، ویژگی‌های اجتماعی و ویژگی‌های محیط انسان‌ساخت نیز از ویژگی‌های مهمی می‌باشند که در بررسی کیفیت مکان باید بررسی شوند (Van poll, 1997: 151). وان کمپ (۲۰۰۳) شاخص‌هایی همچون محیطی طبیعی (اقلیم، آلودگی، کیفیت منظر)، منابع طبیعی و خدمات (منابع طبیعی، کالاهای، زیرساخت‌ها)، اطمینان (اجرای عدالت، مسکن، امنیت)، پیشرفت‌های فردی (از طریق اوقات فراغت)، پیشرفت‌های گروهی (مشارکت، شبکه و ساختار اجتماعی) و سلامت (جسمانی و روانی) را اجزای سازنده کیفیت مکان می‌داند. دهقانی در سال ۱۳۹۰ شاخص‌های مشابهی را برای تحلیل کیفیت مکانی نواحی روستایی بررسی کرده است که عبارتند از: اقتصادی (تأمین حداقل نیازهای اقتصادی، اشتغال و...)، زیست‌محیطی (دفع پسماند، خطرات طبیعی)، اجتماعی (آموزش و رفاه)، زیرساخت‌ها، مسکن، اوقات فراغت و امنیت.

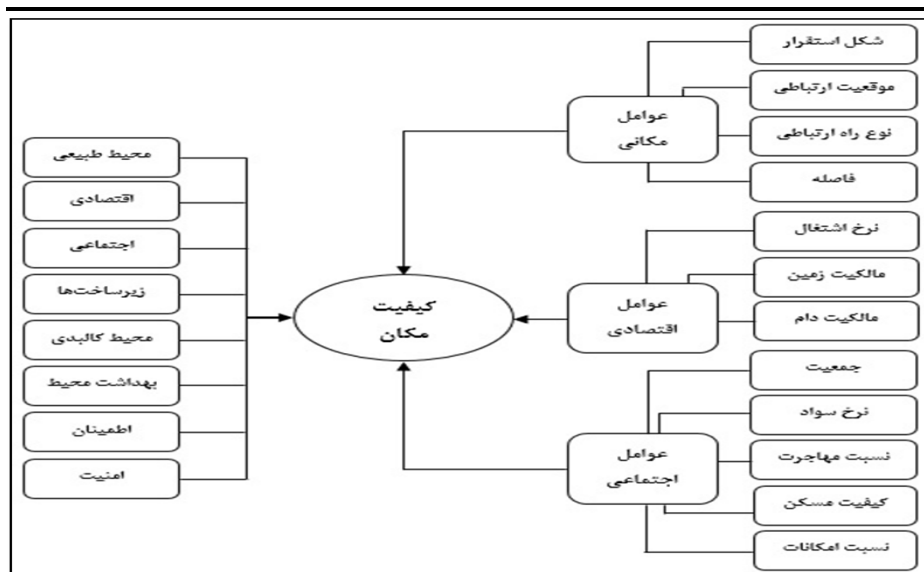
با توجه به مباحث مطرح شده، کیفیت مکان بیانگر سطح قابلیت‌های طبیعی و انسانی یک مکان در تأمین معیشت و جذب سرمایه‌ها و امکانات و حاکی از کیفیت و کارایی اقدامات و برنامه‌های صورت گرفته در راستای کاهش آسیب‌پذیری روستاها است. در بسیاری از عرصه‌های روستایی ایران، علاوه بر وجود انواع متعدد محدودیت‌های طبیعی و جغرافیایی (مانند پراکندگی روستاها، مسائل توپوگرافی، منابع آب و...)، محدودیت‌های ناشی از عملکرد انسانی (مانند فقر روستایی، ضعف زیرساخت‌ها، کم‌سواد، بهره‌روی پایین کشاورزی و...) این نواحی را با چالش‌های معیشتی و رفاهی پیچیده‌ای مواجه کرده است. در این راستا کیفیت مکانی روستایی رویکردی است که چالش‌های معیشت و رفاه روستایی را با توجه به عملکرد نظام طبیعی و کنش و عملکرد انسانی در پیوند با هم از طریق بررسی شاخص‌های محیط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، زیرساخت‌ها، محیط کالبدی، بهداشت محیط، اطمینان و امنیت (سیاسی و محیطی) به بوته ارزیابی می‌گذارد. زیرا شاخص‌های مذکور در یک درهم آمیختگی پیچیده با توجه به بستر طبیعی و عملکردهای انسانی با درجات متفاوتی در شکل‌دهی به کیفیت مکانی نواحی روستایی سهمیم هستند.

با توجه مباحث مطرح شده، سطح کیفیت مکانی ممکن است از عوامل متعددی تأثیر بپذیرد. در این راستا بنیان‌های جغرافیایی (شامل عوامل گوناگون طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ارتباطی و غیره) به یک سکونتگاه روستایی از نظر مکانی - فضایی هویتی خاص می‌بخشد و تغییر هر یک از این عوامل می‌تواند اهمیت و نقش هر موقعیت را دگرگون کند. گفتنی است عوامل و ویژگی‌های طبیعی نسبتاً ثابت و از لحاظ ریخت‌شناسی در معرض دید بوده و قابل بررسی می‌باشند؛ در حالی که عوامل محیط فرهنگی پویا و همیشه در حال دگرگونی است (Estelaji & Ghadiri, 2005: 125). ویژگی‌های محیط طبیعی روستاها نیز، به عنوان بستر فعالیت و زندگی گروه‌های انسانی، در نظم‌پذیری شیوه‌های سکونت‌گزینی و در نتیجه، شکل‌گیری محیط کالبدی روستاها، نقشی بنیادین بر عهده دارد (Saedi, 1996). این ویژگی‌ها، شامل موقعیت طبیعی استقرار (اشکال ناهمواری بستر)، اقلیم، آب، خاک، پوشش گیاهی و چشم انداز طبیعی روستا می‌گردد (Mozaffar et al, 2008: 14). در کشور ایران غالباً عوامل طبیعی و شرایط محیط ضمن آنکه در تعدد و پراکندگی مراکز زیستی مهم افتاده، اساس و شرایط اقتصادی و اجتماعی را نیز دامن زده است (SHiaa, 1999: 11). به عبارتی واحدهای سکونتگاهی روستایی ایران به پیروی از تنوع ناحیه‌ای و منطقه‌ای عوامل محیط طبیعی از یک سو و درجه تأثیرگذاری متفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی از سوی دیگر به نحوی متنوع و با تفاوت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای برپا شده و در گذر زمان شکل امروزی را یافته‌اند. آبادی‌های محورهای شرق، جنوب و ایران مرکزی عمدتاً جزو آبادی‌های کوچک و بسیار کوچک به شمار می‌آیند، که ویژگی‌های عام این گونه سکونتگاه‌ها عمدتاً در تعدد و پراکندگی، جمعیت و منابع محدود، محرومیت و

انزوا خلاصه می‌شود (Saeidi, 2010: 85). در بررسی ساختار مکانی سکونتگاه‌های روستایی، روند توسعه و کیفیت مکانی آن‌ها عوامل و عناصری مانند موقعیت، نیروها و عوامل محیطی، انگیزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مورد توجه قرار می‌گیرند. علاوه بر موقعیت مطلق، موقعیت طبیعی ارتباط مستقیمی با عوامل طبیعی مانند ناهمواری‌ها، منابع آب و غیره دارد و گویای بسیاری از ویژگی‌های روستایی از جمله حجم جمعیت، نوع فعالیت، امکان دسترسی به منابع و توان‌های بالقوه برای رشد و توسعه است (Saeidi, 2005: 39-42). یکی از مباحث اصلی جغرافیای روستایی شکل و چهره زمین و به ویژه عامل ارتفاع در توزیع و شکل‌گیری روستاهاست که در ایران بسیار مؤثر بوده است. اصولاً ارتفاعات جاذب جمعیت نیستند و به دلیل وجود شیب، عدم تشکیل خاک، مشکل بودن ارتباطات و غیره، سکونت دشوار و نامطلوب است (Mahdavi, 2005: 19). ناهمواری‌ها نه تنها در اندازه و حجم جمعیتی کانون‌های زیستی بلکه بر نوع فعالیت غالب و دامنه ارتباطی آبادی‌ها نقش مؤثری بر عهده دارند (Saeidi, 2010: 107).

موقعیت مکانی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی نیز ممکن است به شکل‌های مختلف بر توسعه و کیفیت مکانی روستایی مؤثر واقع شود. در این راستا موقعیت کارکردی شاخصی است که بیشتر بر روابط درونی و بیرونی روستاها مبتنی است و براساس شکل و دامنه روابط و نحوه بر آوردن نیازهای ساکنان یک سکونتگاه‌ها مشخص می‌شود (Saeidi, 2005: 39-42). موقعیت ارتباطی نیز در این چارچوب جای می‌گیرد و نشانگر استقرار روستاها در مسیرهای ارتباطی زمینی و تأثیر این موقعیت بر کیفیت مکانی از طریق دسترسی و دستیابی به انواع امکانات و فرصت‌های زندگی است. همچنین راه دسترسی از جمله خدمات زیربنایی است که نقشی اساسی در حیات اقتصادی و روابط عملکردی سکونتگاه‌ها بر عهده دارد (Saeidi, 2010: 112). هر چه کیفیت راه و سرعت دسترسی به مراکز برتر خدماتی بیشتر باشد، دستیابی به فرصت‌های بهتر زندگی و توسعه روستایی سهل‌تر خواهد بود. میزان فاصله از مراکز برتر خدماتی (مرکز بخش و شهرستان) نیز در این رابطه نقش مهمی دارد.

شاخص اشتغال در میزان درآمد و ثروت و به طور کلی در رفاه اجتماعی و کیفیت مکانی نواحی روستایی تأثیر مهمی دارد. نرخ اشتغال بالاتر بر افزایش قدرت خرید و ثروت، بهبود سطح توسعه روستایی، افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزش و فراغت و دسترسی بهتر به فرصت‌های جدید اقتصادی و انواع فناوری‌های نوین به منظور توانمندتر شدن می‌انجامد. مالکیت زمین کشاورزی و دام به عنوان بینه اقتصادی و فرصت تولیدی برای توانمندتر شدن جهت ایفای نقش مؤثرتر در روند توسعه به شمار می‌آیند، که قادرند به ویژه در بعد مشارکت مؤثر بر توسعه نواحی روستایی تأثیرگذار باشند.



شکل ۱. مدل مفهومی کیفیت مکانی سکونتگاه‌های روستایی

همچنین با توجه به شرایط محیطی و مکانی؛ تأثیر میزان جمعیت، نسبت باسوادی، نسبت مهاجرت‌های روستا- شهری، درجه کیفی مسکن و نسبت امکانات عمومی روستاها در کیفیت مکانی نواحی روستایی نیز محسوس است، به طوری که میزان جمعیت بر جذب امکانات از یک سو و میزان سرانه‌های خدماتی از سوی دیگر، نرخ سواد بر میزان آگاهی و به تبعیت از آن بر میزان و نحوه مشارکت در فرآیند توسعه، مهاجرت‌ها نیز بر تخلیه روستاها از نیروهای مولد و کارآمد، درجه کیفی مسکن بر امنیت و آسایش ساکنین و رضایتمندی آن‌ها از زندگی، و نسبت امکانات عمومی روستا بر میزان احساس رفاه و بهبود انگیزه مشارکتی و... مؤثر واقع می‌شوند. از این رو کیفیت مکانی نواحی روستایی در بعد اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (شکل ۱). این پژوهش بیشتر بر دیدگاه‌های وان کمپ (Van kamp, 2003) و وان پل (Van poll, 1997) در ارزیابی کیفیت مکان و سایر دیدگاه‌های پراکنده به ویژه دیدگاه‌های بولاک ( Bullock, 2007) در مورد عوامل مؤثر بر آن استوار است.

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و دارای روش توصیفی- تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات از طریق مطالعات اسنادی و میدانی (پرسش‌نامه) بدست آمده است. جامعه آماری آن کلیه روستاهای بخش مرکزی شهرستان نیکشهر هستند که طبق آمار سال ۱۳۹۰ مشتمل بر ۱۴۳ نقطه روستایی و ۴۵۲۲۸ تن جمعیت (۱۰۷۶۲ خانوار) است. حجم نمونه شامل ۲۰ سکونتگاه روستایی و ۳۰۵ سرپرست خانوار ساکن در این روستاها است - که به صورت تصادفی انتخاب و به وسیله روش کوکران محاسبه شد. متغیرهای تحقیق پس از تبیین مسأله و مرور پیشینه در انطباق با شرایط نواحی روستایی منطقه استخراج شد (جدول ۱). داده‌ها با روش‌های آماری در محیط SPSS از طریق آزمون‌های t تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس (ANOVA) و آزمون فریدمن پردازش و تحلیل گردید.

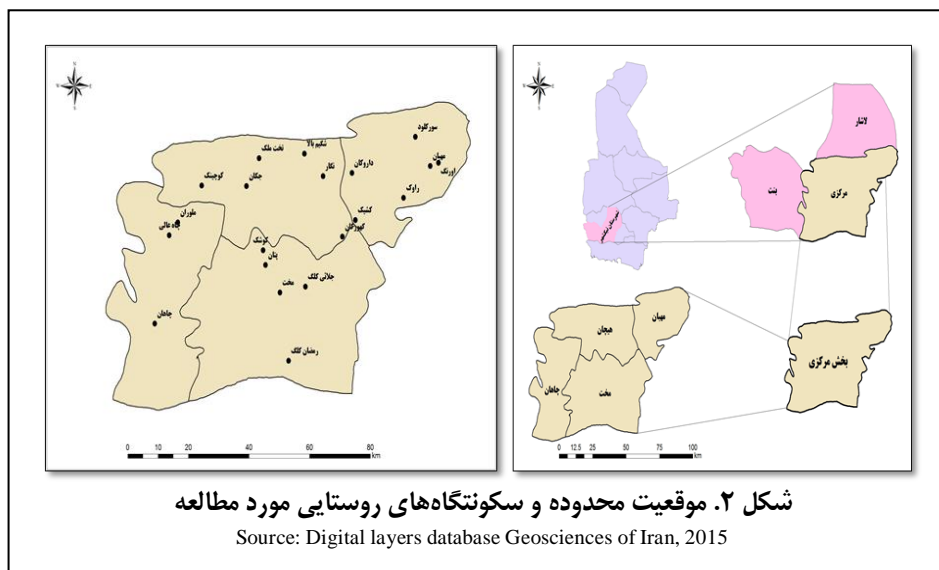
جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی

معرفا	شاخص‌ها	زمینه اصلی	نوع متغیر
ناهمواری و شیب زمین، کیفیت آب و هوا، حاصلخیزی خاک، دسترسی به آب برای کشاورزی و آشامیدن، کیفیت پوشش گیاهی	محیط طبیعی	بهره‌مندی	وابسته
تأمین حداقل نیازهای اقتصادی در روستا، توزیع متعادل درآمد و ثروت، دسترسی به فرصت‌های شغلی، بیمه کشاورزی و دام، جذب سرمایه اقتصادی به روستا، درآمد حاصل از کشاورزی	اقتصادی		
کیفیت امکانات آموزشی، امکانات رفاهی، دسترسی به سوخت، اوقات فراغت، درصد خانوارهای دارای بیمه تأمین اجتماعی، درصد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد	اجتماعی		
شبکه برق، سیستم آب شرب، تلفن و مخابرات، نوع کیفیت راه دسترسی به شهرها	زیرساخت‌ها		
کیفیت منظر، اندازه و کیفیت جاده‌های داخل بافت روستا، طرح‌های عمرانی روستا	محیط کالبدی		
کیفیت دفع زباله و پسماندها، فاضلاب‌های خانگی و آب‌های سطحی	بهداشت محیط		
برابری در توزیع امکانات، استحکام مسکن، کیفیت بستر ساخت مسکن، تناسب تعداد اتاق با تعداد ساکنین	اطمینان		
دسترسی به مراکز انتظامی و پلیسی در مواقع اضطراری، امنیت سرمایه گذاری، امنیت جانی و مالی در محل سکونت، میزان ایمن بودن از خطرات طبیعی سیل، خشکی، بارندگی های شدید و طوفان باد	امنیت	مستقل	
شکل استقرار روستاها، موقعیت ارتباطی، نوع راه ارتباطی، فاصله از مراکز نافذ	مکانی- فضایی		
نرخ اشتغال، متوسط مالکیت زمین کشاورزی، متوسط مالکیت دام	اقتصادی		
میزان جمعیت، نرخ سواد، نسبت مهاجرت، درجه کیفیت مسکن، نسبت امکانات عمومی روستا	اجتماعی		

Source: The studies of authors, 2015

## محدوده مورد مطالعه

شهرستان نیکشهر در عرض جغرافیایی ۲۶ درجه و ۱۳ دقیقه شمالی و در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۱۲ دقیقه شرقی و در بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. دارای اقلیمی گرم و خشک بوده، میانگین بارندگی سالانه آن ۱۷۵/۲ میلی‌متر و متوسط دمای سالانه‌اش ۲۸ درجه سانتیگراد است. بخش مرکزی در سمت جنوب شرقی شهرستان واقع شده و طبق آخرین تقسیمات سیاسی شامل چهار دهستان (مهیان، مخت، هیچان و چاهان) و ۱۴۳ نقطه روستایی است. این بخش براساس آمار سرشماری ۱۳۸۵ دارای ۷۷۸۷ خانوار و ۳۷۹۳۰ تن جمعیت روستایی بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۷۶۲ خانوار و ۴۵۲۲۸ تن افزایش یافته است که نرخ رشدی ۳/۵۸ درصدی را نشان می‌دهد. از ویژگی‌های جغرافیایی منطقه می‌توان تعدد و پراکندگی زیاد سکونتگاه‌ها، اقلیم خشک و نیمه بیابانی، مشکل منابع آب، ناهمواری‌ها، فقر پوشش گیاهی، مخاطرات (سیل و خشکسالی) دسترسی پایین به امکانات عمومی و منابع دانش، فقدان شبکه حمل و نقل کارآمد، بهره‌وری پایین عوامل تولید به ویژه در بخش کشاورزی، نابرابری بین شهر و روستا و ناکارآمدی روابط بین آنها، تغییرات معیشتی روستاها به سمت خدماتی شدن در اثر ناکارآمد شدن کشاورزی و... را ذکر نمود. محدوده مورد مطالعه در ارتفاعی بین ۱۱۰ تا ۲۰۶۰ متر از سطح دریا واقع شده و انواع شکل‌های استقرار دشتی، کوهپایه‌ای، کوهستانی و دره‌ای را در بر می‌گیرد (شکل ۲). میانگین فاصله روستاها تا مرکز بخش و شهرستان (شهر نیکشهر) ۳۷ کیلومتر است. راه‌های اصلی بین شهری بسیاری از روستاهای منطقه را از لحاظ معیشت تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است. راه ترانزیتی چابهار- نیکشهر- ایرانشهر و راه بین شهری نیکشهر- بنت از جمله این راه‌ها هستند که برخی روستاهای نمونه در حاشیه این راه‌ها استقرار یافته‌اند.



## یافته‌ها و بحث

### یافته‌های توصیفی

از میان کلیه پاسخ دهندگان نمونه ۹۲/۷ درصد مرد و ۷/۳ درصد زن بودند. از لحاظ سن، ۵۷/۱ درصد آن‌ها ۱۵ تا ۴۰ سال، ۲۲/۶ درصد ۴۱ تا ۵۵ سال و ۲۰/۳ درصد ۵۶ سال به بالا سن داشتند. همچنین ۲۱/۹ درصد پاسخ دهندگان کاملاً بی‌سواد، ۵۳/۸ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم، ۲۴/۲ درصد فوق دیپلم و بالاتر می‌باشند. از نظر وضعیت شغلی



۱۳ درصد بیکار، ۱۷ درصد دارای شغل کشاورزی و دامداری، ۲۵/۲ درصد کارمند، ۳۲/۹ درصد مشاغل آزاد و ۹/۳ درصد دارای شغل کارگری هستند. علاوه بر این از لحاظ میزان درآمد، بیشتر پاسخ دهندگان (۴۴/۵ درصد) میزان درآمد ماهیانه خانواده‌شان را کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۲۵/۳ درصد ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار، ۱۰/۶ درصد بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار و ۱۵/۹ درصد میزان درآمدشان را بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان اظهار نموده‌اند.

## یافته‌های تحلیلی

به منظور ارزیابی کیفیت مکانی نواحی روستایی مورد مطالعه، یافته‌های آزمون t تک نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ بیانگر معناداری آماری کیفیت مکانی در همه شاخص‌ها و نیز در متغیر کلی کیفیت مکان است و با توجه به این که کران‌های بالا و پایین در سایر شاخص‌ها (به جز در شاخص امنیت) منفی هستند، از این رو سطح کیفیت مکانی روستاها پایین‌تر از ملاک نظری (عدد ۳) ارزیابی می‌شود. در شاخص امنیت، چون کران‌های بالا و پایین مثبت می‌باشند، کیفیت مکانی روستاها بالاتر از ملاک نظری ارزیابی می‌گردد (جدول ۲).

جدول ۲. ارزیابی کیفیت مکانی روستایی با آزمون t تک نمونه

test value = 3						شاخص‌ها
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	
کران پایین	کران بالا					
-۰/۳۷۹۱	-۰/۱۷۲۳	-۰/۲۷۵۷	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۵/۲۵	محیط طبیعی
-۱/۱۴۳	-۰/۹۹۴۵	-۱/۰۶۸	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۳۹/۲۸	اقتصادی
-۱/۰۰۹	-۰/۸۵۳۴	-۰/۹۳۱۵	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۲۳/۴۸	اجتماعی
-۰/۳۴۰۷	-۰/۱۷۷۷	-۰/۲۵۹۲	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۶/۲۶	زیرساخت‌ها
-۰/۷۱۱۹	-۰/۵۵۲۳	-۰/۶۳۲۱	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۱۵/۵۹	محیط کالبدی
-۰/۳۶۸۴	-۰/۱۶۰۳	-۰/۲۶۴۳	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۵/۰۰۱	بهداشت محیط
-۰/۴۴۵۱	-۰/۲۸۸۸	-۰/۳۶۶۹	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۹/۲۵	اطمینان
۰/۰۲۰۸	۰/۱۷۹۹	۰/۱۰۰۳	۰/۰۱	۳۰۴	۲/۴۸	امنیت
-۰/۵۷۸۳	-۰/۴۵۱۵	-۰/۵۱۴۹	۰/۰۰۰	۳۰۴	-۱۶/۰۳	کیفیت مکان

Source: Research Findings, 2015

از این رو کیفیت مکانی نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نیکشهر متأثر از عوامل و فاکتورهای زیادی است که شکل غالب این عوامل را می‌توان در ابعاد مکانی- فضایی، اقتصادی و اجتماعی جستجو نمود. از این رو ارتباط این عوامل و متغیرهای مهم زیر مجموعه آن‌ها با سطح کیفیت مکانی نواحی روستایی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. جهت پاسخ به این پرسش که آیا بین سطح کیفیت مکانی روستاها و عوامل مکانی- فضایی رابطه وجود دارد؟ از آزمون همبستگی استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که شکل استقرار روستاها، موقعیت ارتباطی، نوع راه ارتباطی و فاصله آنها از مراکز نافذ خدماتی، جملگی با سطح کیفیت مکانی روستاها رابطه منفی و معناداری دارند. بدین معنی که با افزایش ارتفاع و ناهمواری‌ها یا با تغییر شکل استقرار روستاها از دشتی به کوهپایه‌ای و کوهستانی، سطح کیفیت مکانی کاهش یافته و عکس قضیه نیز صادق است. یعنی اینکه روستاهای با شکل استقرار دشتی دارای کیفیت مکانی بالاتر و روستاهای مستقر در نواحی کوهستانی از کیفیت مکانی پایین‌تری برخوردارند. همچنین همبستگی بالای موقعیت ارتباطی با سطح کیفیت مکانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد حاکی از آن است که با افزایش درجه موقعیت ارتباطی، سطح کیفیت

مکانی روستاها کاهش یافته است. بدین مفهوم که روستاهای دارای موقعیت ارتباطی درجه سه (موقعیت بن بست و فاقد دسترسی به مسیرهای ارتباطی بین شهری و...) از پایین‌ترین سطح کیفیت مکانی و روستاهای دارای موقعیت ارتباطی درجه یک (مستقر در مسیرهای ارتباطی بین شهری) از بالاترین سطح کیفیت مکانی برخوردار هستند. علاوه بر این همبستگی بالای بین نوع راه ارتباطی روستاها با سطح کیفیت مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیانگر آن است که با افزایش درجه راه ارتباطی، سطح کیفیت مکانی تقلیل پیدا کرده است و عکس قضیه نیز درست می‌باشد. اینکه روستاهای دارای راه درجه سه (راه خاکی) از سطح کیفیت مکانی پایین‌تر و روستاهای دارای راه درجه یک (راه آسفالتی) از سطح کیفیت مکانی بالاتری برخوردارند. افزون بر این‌ها همبستگی معنادار و منفی بین فاصله روستاها از مراکز نافذ خدماتی با سطح کیفیت مکانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد حاکی از آن است که با افزایش فاصله از مراکز نافذ، سطح کیفیت مکانی روستاها کاهش یافته و عکس قضیه نیز درست است. یعنی روستاهای دارای فاصله بیشتر از مرکز بخش و شهرستان از کیفیت مکانی پایین‌تر و روستاهای دارای فاصله نزدیکتر با مراکز مذکور، از کیفیت مکانی بالاتری برخوردار هستند (جدول ۳).

جدول ۳. رابطه عوامل مکانی - فضایی با کیفیت مکانی نواحی روستایی به روش همبستگی

متغیرها	-----	کیفیت مکان	نوع همبستگی
شکل استقرار	ضریب همبستگی	$-0/495^{\circ}$	پیرسون
	معناداری	$0/02$	
موقعیت ارتباطی	ضریب همبستگی	$-0/725^{**}$	پیرسون
	معناداری	$0/000$	
نوع راه ارتباطی	ضریب همبستگی	$-0/658^{\circ}$	پیرسون
	معناداری	$0/002$	
فاصله از مراکز نافذ	ضریب همبستگی	$-0/511^{\circ}$	اسپیرمن
	معناداری	$0/02$	

Source: Research Findings, 2015

همچنین به منظور پاسخ به این پرسش که آیا بین سطح کیفیت مکانی و عوامل اقتصادی در محدوده مورد مطالعه رابطه وجود دارد؟، روش همبستگی به کار گرفته شد. یافته‌ها، همبستگی مثبت و معناداری بین سطح کیفیت مکانی و نرخ اشتغال نواحی روستایی در سطح اطمینان ۹۹ درصد و همبستگی مثبت و معناداری بین سطح کیفیت مکانی با متوسط مالکیت زمین کشاورزی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهند. اینکه افزایش نرخ اشتغال و افزایش متوسط مالکیت زمین کشاورزی، ارتقای سطح کیفیت مکانی نواحی روستایی را به دنبال دارد و عکس قضیه نیز درست است. اما متوسط مالکیت دام با کیفیت مکانی نواحی روستایی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. بدین معنی که کیفیت مکانی از مالکیت دام متأثر نبوده و نقشی در ضعف و قوت کیفیت مکانی روستاها ندارد (جدول ۴).

جدول ۴. رابطه عوامل اقتصادی با کیفیت مکانی نواحی روستایی به روش همبستگی

متغیرها	-----	کیفیت مکان	نوع همبستگی
نرخ اشتغال	ضریب همبستگی	$0/587^{**}$	پیرسون
	معناداری	$0/01$	
متوسط مالکیت زمین کشاورزی	ضریب همبستگی	$0/501^{\circ}$	اسپیرمن
	معناداری	$0/03$	
متوسط مالکیت دام	ضریب همبستگی	$-0/27$	پیرسون
	معناداری	$0/249$	

Source: Research Findings, 2015

علاوه بر این جهت پاسخ به این پرسش که آیا سطح کیفیت مکانی نواحی روستایی با عوامل اجتماعی رابطه دارد؟، روش همبستگی به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان جمعیت، نرخ سواد و نسبت امکانات عمومی به جمعیت ساکن، ارتباط مثبت و معناداری با سطح کیفیت مکانی نواحی روستایی دارند. یعنی اینکه با گسترش میزان جمعیت، ارتقای نرخ سواد و افزایش نسبت امکانات عمومی در روستاها، سطح کیفیت مکانی نیز بهبود پیدا کرده است. اما درجه کیفیت مسکن روستایی ارتباط معکوس و معناداری با سطح کیفیت مکانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد. اینکه در محدوده مورد مطالعه با افزایش مسکن درجه سه (تخریبی)، سطح کیفیت مکانی، کاهش و با گسترش مسکن درجه یک (نوساز)، سطح کیفیت مکانی، افزایش یافته است. عکس این قضایا نیز درست است. در این میان بین نسبت مهاجرت روستا- شهری و کیفیت مکانی نواحی روستایی هیچ رابطه منطقی و معناداری مشاهده نمی‌شود. بدین معنی که کیفیت مکانی روستاها از نسبت مهاجرت تأثیر نپذیرفته است (جدول ۵).

جدول ۵. رابطه عوامل اجتماعی با کیفیت مکانی نواحی روستایی به روش همبستگی

متغیرها	ارزش	کیفیت مکان	نوع همبستگی
میزان جمعیت	ضریب همبستگی	۰/۴۹۳*	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۲	
نرخ سواد	ضریب همبستگی	۰/۵۶۷**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۹	
نسبت مهاجرت	ضریب همبستگی	۰/۴۰۹	پیرسون
	معناداری	۰/۰۷	
کیفیت مسکن	ضریب همبستگی	-۰/۲۲۵**	پیرسون
	معناداری	۰/۰۰۲	
نسبت امکانات عمومی	ضریب همبستگی	۰/۵۸۳**	اسپیرمن
	معناداری	۰/۰۰۷	

Source: Research Findings, 2015

## نتیجه گیری

طبق نتایج حاصل شده کیفیت مکانی نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نیکشهر به استثنای شاخص امنیت در سایر شاخص‌ها و نیز در کلیت کیفیت مکان پایین تر از ملاک نظری ارزیابی گردید. همچنین سطح کیفیت مکانی تفاوت آماری معناداری را با عوامل مکانی- فضایی، اقتصادی (به جز شاخص مالکیت دام)، اجتماعی (به استثنای شاخص نسبت مهاجرت) نشان داد. بنابراین نواحی روستایی مورد مطالعه در کلیت امر، سطح پایینی از کیفیت مکانی را نشان می‌دهند که نمایانگر وجود ضعف‌ها و کاستی‌های طبیعی و انسانی برجسته‌ای در سطح رفاه و اوضاع معیشتی ساکنان روستایی است. چنین استنباط می‌شود علاوه بر اینکه برخی محدودیت‌های طبیعی و جغرافیایی همچون پراکندگی سکونتگاه‌ها، ناهمواری‌ها، مخاطرات و شرایط اقلیمی و آبی در درجه کیفیت مکانی روستاها تا حدودی تأثیر گذاشته است، اقدامات و برنامه‌های صورت گرفته و عملکردهای انسانی در جهت کاهش آسیب‌پذیری و بهبود اوضاع معیشتی و رفاه اجتماعی روستایی منطقه با موفقیت چندان همراه نبوده است. این مسأله در ابعاد مختلف محیط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، محیط کالبدی، زیرساختی، اطمینان و امنیت نمود دارد.

از آنجا که محدوده مورد مطالعه در منطقه‌ای محروم، گرم و خشک و متنوع از لحاظ شرایط طبیعی قرار گرفته، از نظر ناهمواری‌ها، خاک، منابع آب و پوشش گیاهی، درجات متفاوتی از کیفیت مکانی را نمایان ساخته است. این امر به ویژه در فعالیت‌های اقتصادی (کشاورزی)، نظام آب رسانی، تأمین مسکن و نیز شبکه حمل و نقل بیشتر نمود یافته است. این

منطقه در ارتفاعی بین ۱۱۰ تا ۲۰۶۰ متر از سطح دریا واقع شده و انواع شکل‌های استقرار دشتی، کوهپایه‌ای، کوهستانی و دره‌ای را در بر می‌گیرد. میانگین فاصله روستاها تا مرکز بخش و شهرستان (شهر نیکشهر) ۳۷ کیلومتر است. برخی از روستاهای نمونه در مسیر راه‌های راه ترانزیتی چابهار - نیکشهر - ایرانشهر و راه بین شهری نیکشهر - بنت و برخی دیگر در مسیر راه‌های فرعی و نیز تعداد معدودی از روستاها در مسیرهای بن بست استقرار یافته‌اند. همه این مسائل کیفیت مکانی روستاها را تحت تأثیر قرار داده است. تنوع ناهمواری‌ها و شیب زمین در منطقه سطح کیفیت مکانی متفاوتی را بر جای گذاشته است. به طوری که در برخی روستاها مانند راوگ، سهرکلوت، شیگیم بالا و... به علت توپوگرافی و شیب زیاد زمین کیفیت مکانی تا حد زیادی تحت تأثیر قرار گرفته است. به عنوان نمونه در روستاهای مذکور ساخت و ساز هزینه‌بر و آبرسانی تا حدودی با مشکل مواجه است. استقرار روستاهای چاه علی، جلائی کَلگ و چاهان در مسیر راه‌های بزرگ ارتباطی به ارتقای نسبی کیفیت مکانی آنها به ویژه از نظر اشتغال و کسب درآمد تا حد زیادی کمک کرده است. اما روستاهای دارای موقعیت بن بست مانند نگار و راوگ دارای پایین‌ترین سطح کیفیت مکانی می‌باشند. شبکه حمل و نقل که اهمیت نسبی بالاتری نسبت به سایر زیرساخت‌ها دارد در کیفیت مکانی روستاها نقش اساسی دارد. به طوری که روستاهای دارای شبکه حمل و نقل مناسب‌تر (مانند چاه‌علی، چاهان، جلائی کَلگ، تخت ملک)، دسترسی بهتری به مراکز برتر خدماتی (شهر نیکشهر، شهر بنت و...) داشته، با هزینه کمتر می‌توانند تولیدات خود را برای فروش به این مراکز برسانند یا به سایر امکانات رفاهی دسترسی پیدا کنند. در این زمینه راه و موقعیت ارتباطی تا حد زیادی بر رونق کسب و کار در روستاهای چاه علی و چاهان منجر شده است. اما روستاهای دارای راه بی کیفیت و خاکی و استقرار یافته در نواحی بن بست اوضاع بسیار نامطلوبی از نظر کیفیت مکانی دارند. نمونه بازار این روستاها راوگ، نگار و سهرکلوت هستند. فاصله روستاها به مرکز شهرستان (شهر نیکشهر) نیز تا حدودی بر کیفیت مکانی روستاها مؤثر افتاده است. بنابراین تعدد و پراکندگی نواحی روستایی نمونه تا حد زیادی بر کیفیت مکانی آنها از نظر دسترسی و دستیابی به امکانات عمومی تأثیر گذاشته است. به طوری که خدمات‌رسانی به این نواحی را با دشواری مواجه نموده و آنها را به مراکز برتر خدماتی به ویژه شهر نیکشهر بیشتر وابسته کرده است. این نتایج با اغلب نتایج پژوهش بولاک (۲۰۰۷) که بر رابطه مستقیم بین کیفیت مکان و عواملی همچون کیفیت محیط طبیعی، فاصله از مراکز خدماتی و کیفیت راه‌های دسترسی تأکید می‌کند، و نیز با یافته‌های فاضل‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) که بر تفاوت معنادار کیفیت مکانی از نظر شکل استقرار نواحی روستایی تأکید کرده‌اند، تا حد زیادی همسو است.

علیرغم چالش‌های فراوان اقتصادی از قبیل بهره‌وری بسیار پایین عوامل تولید، بیکاری بالا، پایین بودن قدرت خرید مردم و غیره، که روستاهای منطقه با آنها دست به گریبان هستند، شاخص‌های اقتصادی تا حد زیادی سطح کیفیت مکانی روستاها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به خاطر تفاوت‌های مکانی نرخ اشتغال و مالکیت زمین کشاورزی، سطح متفاوتی از کیفیت مکانی مشاهده شده است. اینکه کسب و کار در برخی روستاهای دارای سطح کیفیت مکانی نسبی بالاتر همچون چاه علی، جلائی کَلگ، کشیک و چاهان، به دلیل موقعیت ارتباطی و دسترسی مناسب‌تر و... نسبت به روستاهای نگار و راوگ و سهرکلوت - که پایین‌ترین سطح کیفیت مکانی را دارند - رونق بسیار بیشتری دارد. همچنین روستاهایی که در دشت‌ها و شیب‌های ملایم استقرار یافته، از سرانه زمین کشاورزی بیشتر و کشاورزی نسبتاً پر رونق‌تری برخوردارند و در نتیجه سطح کیفیت مکانی بهتری را به خود اختصاص داده‌اند. اما به خاطر اینکه در نواحی روستایی منطقه، دامداری قابل ملاحظه نیست و تقریباً بیشتر خانوارها چند رأس دام جهت مصارف خانوادگی نگهداری می‌کنند و آن هم به علت فقر پوشش گیاهی منطقه بازدهی چندانی ندارد، نقش مؤثر مالکیت دام در کیفیت مکانی روستاها مورد تأیید قرار نگرفته است. این نتایج با نتایج تحقیق فلوریدا (۲۰۰۶) که بر رابطه مستقیم بین کیفیت مکان و رشد اقتصادی تأکید می‌کند و با بخشی از نتایج پژوهش بولاک (۲۰۰۷) که رابطه بین کیفیت مکان و دسترسی به مشاغل بخش کشاورزی را مستقیم می‌داند، همسو است.

سطح کیفیت مکانی روستاهای منطقه نیز به دلایل متعددی تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار گرفته است. میزان جمعیت نواحی روستایی در دستیابی روستاها به انواع خدمات مؤثر بوده است؛ زیرا میزان جمعیت یکی از ملاک‌های اصلی دولت در ارائه خدمات به روستاها است. به طوری که روستاهای پرجمعیت و با موقعیت مرکزی بهتر، خدمات بیشتر و مطلوب‌تری را به خود جذب کرده‌اند. البته در این موضوع نفوذ افراد متمکن و نخبگان محلی و نیز ناکارآمدی برخی سیاست‌های توزیع امکانات و خدمات بی‌تأثیر نیست. به عبارتی در منطقه، نرخ سواد بالاتر و به تبعیت از آن نفوذ بیشتر افراد نخبه محلی در نهادهای دولتی، کیفیت مکانی نواحی روستایی را تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که در مواردی این افراد در توزیع ناعادلانه امکانات و سرمایه‌ها و تغییر جهت جریان سرمایه‌ها موفق بوده‌اند. از این روست که نرخ سواد بالا در منطقه تا حدودی سطح کیفیت مکانی را بالا برده است. لازم بذکر است خود نرخ سواد بالا بر میزان رضایتمندی و احساس رفاه خانوارها و ارتقای کیفیت مکانی روستاها بی‌تأثیر نیست. درجه کیفیت مسکن نیز سطح کیفیت مکانی روستاهای منطقه را متأثر ساخته است. این نتایج با نتایج تحقیق هیلن و همکاران (۲۰۰۸) که بر رابطه مسقیم و معنادار بین تغییرات جمعیت و کیفیت مکان تأکید کرده‌اند و با نتایج پژوهش آرووا و همکاران (۲۰۰۰) که رابطه مستقیم و معنادار بین کیفیت مکانی (از لحاظ کیفیت سرمایه انسانی) و رشد منطقه‌ای (کاهش هزینه‌های تولید و ظهور ایده‌های نو) را نتیجه گرفته‌اند، و همچنین با برخی نتایج تحقیق فریزر و همکاران (۲۰۰۹) که افزایش کیفیت مکان را باعث کاهش عوامل خطر و مهاجرت می‌دانند، همراستا و همو است.

فقدان دسترسی کافی به مصالح مناسب، فقدان آگاهی روستاییان و حتی معماران محلی از مسایل فنی و قوانین ساخت کیفی مسکن و از همه مهمتر ضعف بنیه اقتصادی خانوارها، سبب شده که روستاییان کمتر به ایمنی مسکن و استانداردهای آن و بیشتر به داشتن سرپناه بیاندیشند. از این رو بسیاری از خانوارهای روستایی در مسکن مرمتی و برخی از آن‌ها در مسکن تخریبی یا شاید کپرهای بی‌دوام زندگی می‌کنند و برخی دیگر که دسترسی مناسب‌تر به مصالح بادوام و قدرت اقتصادی لازم بر ساخت کیفی مسکن دارند، در مسکن نوساز و با استحکام نسبی بالاتر، سکونت دارند. بنابراین روستاهای با حجم بیشتر مسکن تخریبی و مرمتی نسبت به جمعیت، سطح کیفیت مکانی پایین‌تر و روستاهای با حجم بیشتر مسکن نوساز، سطح کیفیت مکانی بالاتری به خود اختصاص داده‌اند. افزون بر این‌ها کیفیت مکانی نواحی روستایی به تبعیت از راه و موقعیت ارتباطی بهتر، وضعیت اقتصادی بهتر، نفوذ نخبگان محلی، مرکزیت سیاسی و... تحت تأثیر نسبت امکانات عمومی به نسبت جمعیت ساکن، قرار گرفته است. به همین خاطر روستاهایی مانند کشیک، جلائی کنگ، چاه علی و چاهان از کیفیت مکانی بالاتری نسبت به دیگر روستاها برخوردار هستند. اما روستاهایی مانند نگار، راوگ، سهرکلوت و... که دارای راه نامناسب، موقعیت اقماری و بن بست، فاصله زیاد از مراکز برتر خدماتی، بنیه اقتصادی بسیار ضعیف و... هستند، سطح بسیار پایین‌تری از کیفیت مکانی را به خود اختصاص داده‌اند. این نتایج نیز با بخشی از نتایج تحقیق بولاک (۲۰۰۷) همسویی دارد.

به طور کلی نتایج پژوهش حاکی از وجود کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های زیاد در پیوند متقابل نظام طبیعی و عملکردهای انسانی و نیز ناکارآمدی روابط فضایی در محدوده مورد مطالعه می‌باشد که غالباً از فقدان توجه لازم به نقش فاکتورهای جغرافیایی (از قبیل توپوگرافی، فاصله، موقعیت استقرار، میزان جمعیت، جمعیت‌پذیری و جمعیت‌گریزی مکان‌های جغرافیایی، جریان سرمایه‌ها، دسترسی به سرمایه‌های فیزیکی و مالی، جذب سرمایه‌ها و امکانات، دسترسی به منابع اطلاعات، دسترسی به فرصت‌های مناسب شغلی، توزیع فضایی و عادلانه سرمایه و خدمات، شبکه حمل و نقل و...) در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های توسعه، نشأت گرفته است. این مسأله مشخصاً به فقدان ساز و کار مناسب و نظام‌مند در چارچوب برنامه‌ریزی مکانی و فضایی باز می‌گردد، که این موضوع خود مستلزم مطالعه و برنامه‌ریزی جامع با نگاه سیستمی و آمایشی می‌باشد.

## References

- Akbar Qoli, F., & Velayati, S. (2007). Investigating the role of natural factors in the establishment of rural settlements, Case Study: Rural Settlements in highlands Kopeh Dagh-Hezar Masjed. *Journal of Geography (Geographical Society of Iran)*, 5 (12-13), 45-66. (In Persian)
- Arova, A., Richard, F., Gary, J., & Kamlet, K. (2000). Human Capital, Quality of Place and Location. *Journal Canadian Studie*, 38 (3), 1- 44.
- Bullock, J.R. (2007). *An analysis of technology quality of life in rural west texas community*. A dissertation in Agricultural Education Submitted to the Graduate faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Education, 34, 110-120.
- Dehghani, K. (2011). *Analysis of the quality of rural areas (District of Doshmanziare in Township Mamasani)*. MA thesis. Zabol University, Zabol, Iran. (In Persian)
- Fazelnia, Gh., Shams al-Dini, A., & Dehghani, K. (2013). Analysis of the quality of rural settlements locations in the Mamasani Township (Case Study: Doshmanziare). *Geographic expres Journal of wilderness areas*, 1 (2). 195-220. (In Persian)
- Florida, R. (2006). Quality of Place & the New Economy analysis of quality rural development. *Evidence from Carnegie Mellon University*, 34, 202-218.
- Fraser, C., & Henry, J.F. (2008). Changing places the impact of rural restructuring on mental health in Australia. *Journal of Health & Place*, 11 (2), 157-171.
- Hagget, P. (2005). *Geography: a modern synthesis*. Translated Shapur Goudarzi Nejad, Tehran: Samt.
- Helen, E., Berrya, R., Krannicha, S., & Thomas G. (2008). A longitudinal analysis of neighboring in rapidly changing rural places Department of Sociology, Utah State University, Logan, UT 84322-0730, U.S.A. *Journal of Rural Studies*, 6 (2), 175-186.
- Lim, L. (2008). *Reflection on Quality of Life Studies, Ragers University An approach integrating opportunities human needs and subjective Well – being Ecological Economics*. 61, 267-27.
- ozsoy, H. (1996). Housing Quality Assessment Model (Case Study exterior spaces Istanbul). Translated by Ali Khorshid Doust and Rahmat Mohammad Zadeh. *Journal of Geographical Research*, 43, 119-134.
- Pourahmad, A. (2010). *Territory and philosophy of geography*. (fourth edition), Tehran: Tehran University. (In Persian)
- Pishgahifard, Z., Pourahmad, A., & Vasegh, M. (2005). The philosophy of location in geography (Initial Quality in Geography). *Journal of philosophical ideas*, 2 (4), 179-202. (In Persian)
- Johnston, R.J. (2000). *Subject geographical location*. Translated by Jalal Tabrizi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Mottakian A.A., Pourahmad, A., Mansourian, H., Mirbagheri, B., & Hosseini Hasel, A. (2009). Measuring the quality of urban places (Case Study of Tehran). *Journal Remote Sensing and GIS of Iran*, 1 (4), 1-20. (In Persian)
- Mozaffar, F., Hosseini, S.B., Soleimani, M., Torkashvand, A., & Samadi, A. (2008). Impact assessment of conducting projects on the environment in rural areas of Iran. *Journal Environmental Sciences*, 5 (3), 11-32. (In Persian)
- Mahdavi, M. (2005). *Introduction on rural geography of Iran*. (Sixth Edition), Tehran: Samt. (In Persian)

- Norberg-Schulz, C. (1974). *Universe, space and architecture*. Translated by Mohammad Hasan Hafezi. Tehran: Ketab Foroushi. (In Persian)
- Relph, E. (1986). *Place and placelessness*, poin limited, 61.
- Saeedi, A. (2010). *Ten articles in recognition of rural settlements*. Tehran: Mehre-Mino. (In Persian)
- Saeedi, A. (2005). *Principles of rural geography*. (Sixth Edition), Tehran: side. (In Persian)
- Saeedi, A., & Hosseini sure, S. (2009). *Locating foundation and establishment of new villages*. Tehran: Islamic Revolution Housing Foundation.
- Saeedi, A., & Taleb M. (1996). *Types of Settlement and Typology of Rural Housing*. Tehran: Housing Fondation of Islamic Revolution. (In Persian)
- Shakouie, H. (2004). *New ideas in the philosophy of geography*. Vol I, Seventh Edition. Tehran: Publication of the Gita. (In Persian)
- Shakouie, H. (2006). *New ideas in the philosophy of geography*. Vol II, Third Edition. Tehran: Publication of the Gita. (In Persian)
- Ismail, sh. (1999). *With the city and the region in Iran*. Tehran: Iran University of Science and Technology. (In Persian)
- Van Kamp, I., Kees L., Meijer, G., & Marsman, A. (2003). Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts: a literature study. *In landscape and urban planning*, (65), 5-18.
- Van Poll, R. (1997). The perceived quality of the urban residential environment. A multiattribute evaluation. PhD-thesis, Center for Energy and Environmental Studies (IVEM), University of Groningen (RuG), The Netherlands.

## Investigating the effective factors on the quality of place in rural areas (Case study: The Central Part of Nikshahr Township)

Hadi Rasti\*

*PhD Candidate in Geography & Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran*

Bashir Amiri

*MA. in Geography & Rural Development, Kharazmi University, Tehran, Iran*

Received: 14/10/2015

Accepted: 20/05/2017

### Extended Abstract

#### Introduction

Iran in the distant past especially after the land reform (after ages 1962) has been facing with the rural spaces challenging in many aspects and its rural areas in spite of natural and geographical limitations (topography, dispersion, water resources, climate problems and hazards) constantly has changed caused by human action including the increasing dependence of rural areas on cities. Hence, inefficient management of land, low productivity, factors of production in agriculture, knowledge and skills of low, weak infrastructure, migration, inequality between urban and rural areas, etc. are including the features prominently in most rural areas of Iran that affect their quality of place.

Rural areas of Sistan and Baluchestan Province (which a province is underdeveloped and based on evidence and research available in terms of most development indicators often the most disadvantaged provinces is) relative to many villages in Iran in terms of challenges posed have situation more unstable they are. When we consider that villages of Nikshahr Township are considered as the most disadvantaged areas of the province, the importance of this issue will double.

Hence this study was aimed to investigate the factors affecting on the quality of place in the rural areas in one of the most deprived areas of the country (city Nikshahr). The factors which were examined in the present study include spatial, economic and social factors.

#### Methodology

This research is applied as well as descriptive and analytical. Data has been achieved through literature review, documentary and field studies (questionnaire). The population is all rural areas in central part of Nikshahr Township, which according to the 2011 census includes 143 rural areas and 45,228 people (10,762 households). The sample size included 20 rural settlements and 305 heads of households living in this villages - which is randomly selected and calculated by Cochran method respectively. After explaining the problem, and review the antecedents in compliance with the conditions of rural areas of the region research variables was extracted. Data was processed and analyzed using SPSS, through a one-sample t test, an ANOVA and a Friedman test.

\* Corresponding Author:

Email: Rasti.hadi1392@gmail.com



## Results and discussion

The results showed that the locational quality of rural areas in most indexes is lower than comment criteria (number 3). Because the upper and lower bounds are positive, the rural locational quality regarding the security index was assessed the higher than the theoretical criteria. The quality of the place represents the natural and human weakness and shortcomings outstanding in welfare and living conditions in the rural residents. In addition, some natural and geographical constraints such as the dispersion settlements, rugged, climate and water hazards have affected the quality of place degree in villages. The measures and programs that have been done and the humanitarian operations in order to reduce vulnerability and improving the living conditions and social welfare in rural areas have not been successful. The results showed that the establishment, communicative situation, type of road and the distance from the centers of incisive service of villages all with the quality of place in rural areas have a significant negative relationship. These results is aligned with most of the results, the study Bullock (2007) which emphasizes on the direct relationship between the quality of place and factors such as quality of place the natural environment, distance from service centers, and quality of access and also with the findings of Fazenja et al (2013), which have emphasized on the significant differences in the quality of place, in terms of the establishment of rural areas to a large extent.

Other findings showed that there is a significant positive correlation between quality of place assessed and quality of place with an average employment rate between rural and agricultural land there. Increased employment rates and higher average agricultural land ownership results in improving the quality of place in rural areas and its opposite is also true.

But the average animal ownership with quality of place in rural areas did not show a significant relationship. These results are in line with the results of Florida (2006) that emphasizes the direct relationship between the quality of place and economic growth and some of the results Bullock (2007) emphasizes on the direct relationship between quality of place and access to Agriculture jobs. Also according to the findings, there is a relationship between population size, literacy rate and the ratio of public facilities and a significant positive correlation with the quality of place in rural areas. But the quality of rural housing shows a significant inverse correlation with the quality of place. Meanwhile, no logical and meaningful relationship was found between the migration of rural-urban and rural areas quality of place. The results is in line with the results of Halen et al's (2008) study that have emphasized the direct and significant relationship between demographic changes and quality of place and also with the results of Arva et al.'s (2000) study that have emphasized the direct and significant relationship between quality of place (in terms of quality of human capital) and regional development (reduction of production costs and the emergence of new ideas) as well as with some results of Fraser et al's (2009) study which emphasized the increasing quality of place in reduction risk factors and migration.

## Conclusion

The results indicated the existence of significant deficiencies and inefficiencies cross-linked natural systems and human functions as well as failure of spatial relationships in the study area that often originated from the lack of attention to the role of geographical factors (such as topography, distance, position, establishment of between population

size population and population aversion geographical locations, capital flows, access to physical and financial assets raise funds). This clearly returns lack of appropriate mechanism systematically within the framework of spatial planning which itself requires a comprehensive and systematic study.

**Keywords:** quality of place, spatial, economic and social factors, rural areas, Nikshahr Township.